

الفصل الثاني: في قضاء الصلوات

فصل دوم: قضای نماز

والكلام في: سبب الفوات، والقضاء ولواحقه.

سبب قضا شدن نماز، قضای آن و ملحقات این بحث

أما السبب: فمنه ما يسقط معه القضاء وهو سبعة: الصغر، والجنون، والإغماء والحيض، والنفاس، والكفر الأصلي، وعدم التمكن من فعل ما يستبيح به الصلاة من وضوء أو غسل أو تيمم. وما عداه يجب معه القضاء كالإخلال بالفريضة عمداً أو سهواً عدا الجمعة والعیدین، وكذا النوم ولو استوعب الوقت. ولو زال عقل المكلف بشيء من قبله كالسكر وشرب المرقد وجب القضاء، لأنه سبب في زوال العقل غالباً. ولو أكل غذاء مؤذياً فالإغماء لم يقض، وإذا ارتد المسلم أو أسلم الكافر ثم كفر وجب عليه قضاء زمان رده.

سبب قضا شدن نماز: اموری که موجب می شود (واجب بودن) قضای نماز ساقط شود⁽¹⁾ هفت مورد می باشد: کودکی، جنون، بی هوشی، حیض، نفاس، کفر اصلی⁽²⁾ و عدم توانایی انجام اموری که اقامه نماز را مباح می کند، یعنی وضو، غسل یا تيمم؛ در غیر این موارد، قضای نماز واجب است، مانند: ترک کردن⁽³⁾ نماز واجب از روی عمد یا سهو، جز در نماز جمعه و عید⁽⁴⁾ و همچنین خوابیدن به گونه ای که تمام وقت نماز را در برگیرد. اگر عقل شخص مکلف به دلیلی از جانب خودش، مانند خوردن مسکرات، یا استفاده از خواب آورها زایل شود، قضای نماز بر او واجب می شود، چون غالباً این امور باعث زوال عقل می شوند. اگر غذای مضرى بخورد که وی را دچار بی هوشی کند، لازم نیست نماز را قضا کند.⁽⁵⁾ هنگامی که مسلمان مرتد شود، یا کافری مسلمان شود و دوباره کافر شود، قضای نمازهای مدت ارتدادش بر او واجب است.

1- یعنی با وجود آن، قضای نماز واجب نیست. (مترجم)

2- شخصی که کافر متولد شود. (مترجم)

4- در بخش قضای نماز، سؤال دوم از کتاب احکام الشریعه بین السائل و المجیب آمده است که ترک نماز به صورت سهوی و یا عمدی. (مترجم)

4- زیرا این نمازها قضا ندارند و در صورت قضا شدن نماز جمعه، نماز ظهر قضا می گردد. (مترجم)

5- قضای نماز مریض: اگر بیماری او به گونه ای است که وجوب نماز را درک می کند، نماز بر او واجب است و هر طور که می تواند، باید بخواند، ولی اگر بیماری اش

به گونه ای است که قوه ادراک ندارد، حکم مجنون و بی هوش را دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 119)

وأما القضاء: فإنه يجب قضاء الفائتة إذا كانت واجبة، ويستحب إذا كان نافلة مؤقتة استحباباً مؤكداً وإن فاتت لمرض لا يزيل العقل. ويستحب أن يتصدق عن كل ركعتين بمد، فإن لم يتمكن فعن كل يوم بمد.

قضای نماز: قضای نمازِ واجبی که زمان آن گذشته است، واجب است؛ و به‌جا آوردن قضای نمازِ نافلهٔ زمان‌دار، مستحب مؤکد است، اگرچه به دلیل بیماری‌ای که عقل را از بین نمی‌برد، قضا شده باشد. مستحب است که برای هر دو رکعت (نافلهٔ قضا شده) یک مُد طعام صدقه دهد و اگر نتوانست چنین کند برای هر روز یک مُد صدقه دهد.

ويجب قضاء الفائتة وقت الذكر ما لم يتضيق وقت حاضرة، بترتيب السابقة على اللاحقة كالظهر على العصر، والعصر على المغرب، والمغرب على العشاء، سواء كان ذلك ليوم حاضر أو صلوات يوم فائت، فإن فاتته صلوات لم تترتب على الحاضرة لم يجب تقديمها.

قضای نماز به‌محض یادآوری واجب می‌شود، به شرطی که زمان نماز حاضر (نمازی که زمانش فرا رسیده)، تنگ نشده باشد. باید نماز قضا به همان ترتیب قضا شدن خوانده شود، مثلاً اول نماز ظهر، بعد عصر و سپس مغرب و بعد عشا را بخواند و فرقی ندارد که نماز قضای همان روز باشد^(۶) یا روز دیگری که وقت آن گذشته است.^(۷) اگر چند نماز قضا داشته باشد که از لحاظ ترتیب قبل از نماز حاضر قرار نگرفته باشد،^(۸) واجب نیست پیش از نماز حاضر خوانده شود.

ولو كان عليه صلاة فمسيها صلى الحاضرة لم يعد، ولو ذكر في أثنائها عدل إلى السابقة، ولو صلى الحاضرة مع الذكر أعاد. ولو دخل في نافلة وذكر في أثنائها أن عليه فريضة استأنف الفريضة. ويقضي صلاة السفر قصراً ولو في الحضر، وصلاة الحضر تماماً ولو في السفر.

اگر نماز قضایی به‌گردن او بود و آن را فراموش کند و نمازی را که وقت آن رسیده است، به‌جا آورد، تکرار نماز واجب نیست، ولی اگر در بین نماز به‌یاد آورد، نیت نمازش را به نماز قضا برگرداند؛ و اگر درحالی که می‌داند نماز قضا به‌گردن دارد نماز حاضر را بخواند، باید نماز را تکرار کند. اگر کسی در حال خواندن نماز نافله به‌یاد آورد که نماز قضای واجب را نخوانده است باید نماز واجب را از ابتدا شروع کند.^(۹) قضای نمازی که در سفر بوده است به‌صورت

6- مثلاً اگر نماز صبح همان روز قضا شده باید قبل از نماز ظهر آن را بخواند و اگر نماز صبح روز دیگری قضا شده باشد لازم نیست قبل از نماز ظهر حاضر بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 120)

7- مثلاً روزی نماز ظهر و عصرش قضا شده است و می‌خواهد قضای آن را به‌جا آورد، ابتدا باید قضای ظهر و سپس عصر را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 120)

8- مثلاً نماز عشا روزهای قبلش قضا شده است و قصد خواندن نماز ظهر حاضرش را دارد. در این مثال صحت نماز ظهر متوقف بر خواندن نماز عشا نیست. ولی اگر نماز صبح همان روز قضا شده باشد باید ابتدا نماز صبح را قضا کند و سپس نماز ظهر را ادا کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 120)

9- یعنی نمی‌شود نیت نماز مستحبی را به‌واجب برگرداند. بلکه نماز نافله را تمام کرده سپس قضای نماز را به‌جا می‌آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 121)

شکسته است، هرچند که در وطنش بخواند؛ و نمازی که در وطنش قضا شده، به صورت کامل خوانده شود، هرچند که در سفر باشد.

وَأما اللواحق، فمسائل:

ملحقات نماز قضا⁽¹⁰⁾

الأولى: من فاتته فريضة من الخمس غير معينة قضي صباحاً ومغرباً وأربعاً عما في ذمته. ولو فاتته من ذلك مرات لا يعلمها قضي حتى يغلب على ظنه أنه وفي.

اول: کسی که یکی از نمازهای یومیّه‌اش را به جا نیاورده و نمی‌داند کدام نماز بوده است، باید یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهاررکعتی به نیت قضای آنچه بر گردن اوست بخواند (نیت ما فی الذمة). اگر چند مرتبه به همین شکل نمازش قضا شود و نداند چه نمازی بوده، باید آن قدر نماز قضا بخواند⁽¹¹⁾ تا به اطمینان برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

الثانية: إذا فاتته صلاة معينة ولم يعلم كم مرة كرم من تلك الصلاة حتى يغلب عنده الوفاء، ولو فاتته صلوات لا يعلم كميتها ولا عينها صلى أياماً متوالية حتى يعلم أن الواجب دخل في الجملة.

10 - چند نکته متفرقه درباره نماز قضا: اگر کسی نماز را با این عقیده که واجب نیست، عمداً ترک کند، اگر مسلمان زاده باشد کشته می‌شود و اگر از کفر به اسلام آمده باشد توبه داده می‌شود. اگر امتناع کرد کشته می‌شود، اما اگر برای نماز نخواندنش شبهه‌ای که احتمالش باشد را ادعا کند، دیگر حد در مورد او اجرا نمی‌شود؛ اما اگر نماز را ترک کند ولی نه با عقیده واجب نبودن آن، مورد تعزیر و تأدیب قرار می‌گیرد و اگر دوباره تکرار شود دوباره تعزیر می‌شود و اگر برای بار سوم ترک کند باز تعزیر می‌شود و اگر برای بار چهارم ترک کند کشته می‌شود.

الف: حکم نماز استیجاری: اجرت‌گرفتن در مقابل نمازخواندن به نیابت از میت جایز نیست و نماز باطل است؛ چون نیت نزدیکی به خدا در آن وجود ندارد، زیرا اگر اجرت نبود به نیابت از میت نماز نمی‌خواند، پس نمازش برای نزدیکی به مال است نه به خداوند سبحان. اگر کسی در مقابل نمازخواندن برای میت پول گرفته است، نماز و پولی که دریافت کرده باطل می‌باشد و اگر نمی‌دانسته که این بدعت است گناهی بر او نیست؛ ولی آنچه در مقابل نمازخواندن برای اموات (مؤمنینی که به حجت خدا ایمان داشته‌اند یا حالشان مجهول بوده است) دریافت کرده است باید بازگرداند، مگر اینکه فقیر بوده باشد که به‌عنوان صدقه از طرف میت محسوب می‌شود و اگر بازگردانده باشد می‌تواند آن را به مبلغی که ذکر شد (به ازای هر روز یک مد طعام) از طرف میت صدقه بدهد. می‌تواند دوباره آن نمازها را قضا کند ولی این بار با قصد قربت نه برای پول.

ب: برای قضا کردن نماز می‌توان در شب بیست‌وسوم ماه رمضان، نماز قضا را به جا آورد، زیرا هر رکعت نماز قضا در این شب برابر هزار ماه است؛ پس اگر کسی چندین سال نماز قضا داشته باشد می‌تواند به‌جای همه آن‌ها در این شب یک شبانه‌روز نماز قضا بخواند.

ج: نماز قضای پدر و مادر به عهده فرزند پسر بزرگتر است؛ پس اگر میت، چنین فرزندی نداشت یا نمی‌توانست بخواند اگر کسی بود که بدون درخواست چیزی برایش نماز بخواند (مانند سایر فرزندان یا بستگان) می‌خواند و اگر نبود در مقابل هر شبانه‌روز نماز قضا یک مد طعام صدقه می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 122)

11 - یعنی یک صبح، یک مغرب و همچنین یک چهاررکعتی به نیت ما فی الذمه بخواند و همین ترتیب را ادامه دهد تا وقتی به اطمینان برسد که نماز قضایی بر گردنش نمانده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 121)

دوم: هنگامی که نماز معینی⁽¹²⁾ از او قضا شود و نداند که چند بار نمازش قضا شده است، باید آن قدر نماز قضایش را تکرار کند تا به یقین برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است؛ و اگر چندین نماز از او قضا شده باشد و نداند چه نمازی بوده است و تعداد و نوع آن‌ها را نیز نداند باید چندین روز پشت سر هم نماز قضا بخواند تا به یقین برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

12- مثلاً می‌داند نماز صبحش قضا شده است ولی تعداد آن را نمی‌داند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 121)

